

In the Name of Allah

**Grammar and Writing
Vision (2)**

**نکات گرامری و نوشتاری
زبان انگلیسی پایه ی یازدهم (۱۱)**

**"A new language is a new life."
"The English language opens doors to new horizons."**

ساسان عزیزى نژاد (جولندان)

Mobile phone: 0911-183- 4070

In the Name of Allah

گرامر و بخش (writing) درس اول پایه یازدهم:

اسم های قابل شمارش (Countable Nouns) و غیر قابل شمارش (Uncountable Nouns):

اسم قابل شمارش: اسم هایی که شکل مفرد و جمع دارند و شکل مفرد آنها، معمولاً با a /an بکار می رود.

a book - books an experiment - experiments
a child - children a tooth - teeth

اسم غیر قابل شمارش: اسم هایی که شکل جمع ندارند و یک شکل دارند و شکل مفرد آنها با a /an بکار نمی رود.

تعدادی از اسم های غیر قابل شمارش که در محدوده ی کتابهای درسی و تستهای کنکور می باشند عبارتند از:

۱- اکثر مایعات و گازها: fuel, blood, water, milk, tea, juice, coffee, soup, oxygen, smoke, air

۲- اسم های مربوط به جنس، مواد و برخی از غذاها (که بصورت توده هستند):

silver, gold, cotton, wood, iron, meat, butter, bread, rice, sugar, salt

۳- اسم های زبان ها: English, Persian, Chinese, Arabic

۴- برخی از اسم های معنی (انتزاعی): experience, love, honesty, happiness, beauty, health, knowledge

۵- برخی اسم های غیر قابل شمارش دیگر عبارتند از:

money, homework, information, advice, furniture, weather, traffic, news, time, food, light,

نور وقت / زمان اسباب / اثاث / پند / نصیحت

play, room, noise, work, music, glass, paper

کاغذ شیشه کار سروصدا جا / فضا بازی

نکته: کلمه های assignment(s) (تکلیف)، climate(s) (آب و هوا / اقلیم)، time(s) (بار، دفعه) و یا a good

fatty foods, time (نوع غذا (غذاهای پرچرب))، light(s) (چراغ، لامپ)، play(s) (نمایشنامه)، room(s)

(اتاق)، a loud noise (سروصدای شلوغ)، works (آثار و تالیفات) experience (s) (وقایع و اتفاقات)

glass (es) (لیوان)، paper (s) (مقاله / روزنامه) و fossil fuels (نوع سوخت (سوخت های فسیلی)) اگر در معانی

داده شده باشند، جزء اسامی قابل شمارش محسوب می شوند

صفات کمی که قبل از اسامی قابل شمارش می آیند عبارتند از:

تعداد کم (ناکافی) / تقریباً هیچ = few (-)	I have few friends here. I feel lonely.
خیلی کم = few (very)	I have a few friends here. I don't feel lonely.
یک تعدادی / چند تایی = few (+)	I have a few friends here. I don't feel lonely.
فقط یک تعدادی = few (only)	I have a few friends here. I don't feel lonely.
تعداد زیادی = many	(بیشتر در جمله های منفی و سوالی) Are there many cars in the street? I don't have many friends . (در زبان رسمی انگلیسی، در جمله های خبری هم استفاده میشه)
چندین = several	several animals...
تعداد زیادی = a large number of	a large number of women...
چند تا / چه تعداد = how many	How many pencils do you have?

صفات کمی که قبل از اسامی غیر قابل شمارش می آیند عبارتند از:

(-) little = خیلی کم (ناکافی) / تقریباً هیچ (very) little = خیلی کم	There is <u>little meat</u> in the fridge. Please buy some.
(+) a little = يك کمی / يك مقداری (only) a little = فقط يك کمی / فقط يك مقداری	I have got <u>a little money</u> . Let's buy some fruit.
much = مقدار زیادی / خیلی	(بیشتر در جمله های منفی و سوالی) There <u>wasn't much</u> traffic. Is there <u>much water</u> in the glass? (در زبان رسمی انگلیسی، در جمله های خبری هم، استفاده میشه)
a large amount of = مقدار زیادی / خیلی	<u>a large amount of</u> information
how much = چقدر و چه مقدار	<u>How much</u> money do you need?

صفات کمی که هم قبل از اسامی قابل شمارش و هم اسامی غیر قابل شمارش می آیند عبارتند از:

some = تعدادی / مقداری	(بیشتر در جملات خبری مثبت استفاده میشه) There is <u>some bread</u> on the table. There are <u>some plates</u> on the table. A: Would you like <u>some tea</u> ? B: Yes, of course. درجملات سوالی برای تعارف و درخواست
a lot of = تعداد / مقدار زیادی lots of = تعداد / مقدار زیادی	(بیشتر در جملات خبری مثبت استفاده میشه) She needs <u>a lot of</u> books.
plenty of = تعداد / مقدار زیادی	No need to hurry. You have <u>plenty of</u> time. There are <u>plenty of</u> chairs in the next room.
all = همه	<u>all</u> the girls <u>all</u> the money
any = هیچ (در جمله های منفی و سوالی)	Do you have <u>any</u> money? I <u>don't</u> have <u>any</u> brothers.
no = هیچ (در جمله های خبری اما مفهوم منفی)	I have <u>no</u> time. She has <u>no</u> Spanish books.

نکته زبان تخصصی: بعد از صفات کمی (some / much / a little / little / many / a few / few) در موارد زیر حرف اضافه (**of**) بکار می رود.

۱- اگر قبل از اسم ، حرف تعریف (the/a/ an) بیاد.

1- Yesterday some of the teachers were late.

۲- اگر قبل از اسم ، ضمایر اشاره (this/ that/ these/ those) بیاد.

2. A few of these cars are for sale.

3-Many of those movies were free.

۳- اگر قبل از اسم ، صفات ملکی (my/ your/ his/ her/ its/ our / your / their) بیاد.

4- Much of her fiction (داستان تخیلی) describes women in unhappy marriages.

5 - Little of their wealth (ثروت) now remains.

۴- اگر بعد از صفات کمی، ضمایر مفعولی (me/you/ him/ her/ it/ us / you / them) بیاد.
6-How many of them can read and write?

کلمات اندازه گیری (تمیزها) و پیمانه ها برای اسامی غیر قابل شمارش : (containers & measure words):

a bottle of	یک بطری	water/ milk/ soft drink / wine / beer/
a cup of	یک فنجان	tea / coffee
a glass of	یک لیوان	water / milk / soft drink / juice / wine / beer/
a bag of	یک کیسه	rice/sugar/flour (آرد)
a piece of	یک تکه / بخش / قطعه	cake/paper/ advice پند / bread/ cheese/ news/ furniture اسباب و اثاث wood / land/ information / clothing
a slice of	یک قاچ / تکه	cake / cheese / melon / pizza /
a kilo of	یک کیلو	rice/ meat
a loaf (loaves)	یک قرص	bread
a drop of	یک قطره	water/ rain/ blood
a jar of	یک شیشه (ظرف)	jam مربا / honey عسل / mayonnaise مایونز
a bar of	یک قالب / یک شمش	chocolate / gold/ soap صابون
a carton of	یک کارتن / پاکت	milk/ juice/ ice cream/
a can (=tin BrE) of	یک قوطی	soup / tuna / paint/
a bowl of	یک کاسه (پاله)	soup / salad / sugar
a sheet of	یک ورق	paper / metal / ice
a tube of	یک لوله (تیوبی)	glue چسب / toothpaste خمیر دندان
a packet/box of	یک بسته	sugar / tomato sauce

نکته: برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش، از تمیزها و ظروف (پیمانه ها) استفاده می کنیم. که این کلمات (تمیزها) را می توانیم جمع ببندیم، اما خود اسم های غیر قابل شمارش بدون تغییر می ماند (جمع بسته نمی شوند).

- 1-She drinks a cup of tea every morning.
- 2-I bought three loaves of bread yesterday morning.

نکاتی در مورد نوشتن و خواندن اعداد:

۱- اعداد، قبل اسم های قابل شمارش میاد. اگر عدد (one=1) بیاد، اسم بصورت مفرد میاد، اما بعد از بقیه ی اعداد (two, three, four ...) اسم بصورت جمع میاد.

۲- در نوشتن اعداد (۲۱ تا ۹۹) بصورت حروفی، به جزء مضرب های ده (10-20-30...)، بین دهگان و یکان این اعداد، خط تیره کوتاه (-) ، hyphen) گذاشته می شود.

21= twenty-one
22= twenty-two
45= forty-five ...

۳- به خواندن و نوشتن اعداد زیر بصورت حروفی دقت شود.

100= one / a hundred

1000=one/ a thousand

5100= five thousand (and) one hundred (درست)

5100= five thousand (and)* a hundred (غلط)

154 students =one hundred (and) fifty-four students

2357 cars= two thousand three hundred (and) fifty-seven cars

2,564,389 dollars=two million five hundred (and) sixty-four thousand three hundred (and) eighty-nine dollars.

3,452,564,389 pounds=three billion four hundred (and) fifty-two million five hundred (and) sixty-four thousand three hundred (and) eighty-nine pounds.

نکته ۱: اگر اعداد (hundred, thousand, million, billion) قبل از اسم بیایند (یعنی نقش صفت را داشته باشند) (S) جمع نمی گیرند.

1-There were about two hundred people at the meeting. (جمله درست)

2-There were about two hundreds people at the meeting. (جمله نادرست)

3-It was a two-hundred-page book.

نکته ۲: اگر اعداد، با ساختار (hundred, thousand, million, billion) of + nouns (S) جمع می گیرد.

1-It has happened hundreds of times.

2- Millions of people live in poverty [فقر].

نکته ۳: به ساختار زیر، در ترتیب اعداد، صفات و اسم ها که پشت سر هم در یک جمله استفاده می شوند، دقت کنید.

اسم + صفت + عدد

1-There are five beautiful trees in the garden.

عدد صفت اسم

2- She took forty-six interesting photographs yesterday.

عدد صفت اسم

بخش writing :

جملات ساده (simple sentences) در زبان انگلیسی

- هر جمله ساده در زبان انگلیسی، باید حداقل یک فاعل (subject) و یک فعل (verb) داشته باشد.

1-My father is sleeping.

subject verb

ترتیب معمول قرار گرفتن کلمات در جمله های ساده، در زبان انگلیسی عبارتند از:

subject + verb + object + adverb of manner + adverb of place + adverb of time.

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

2-Our physics teacher explained the lesson carefully in the class yesterday morning.

subj v obj adv of (M) adv of (P) adv of (T)

نکته ۱: جمله می تواند هم فعل اصلی داشته باشد و هم فعل کمکی.

3-They are studying English now.

فعل اصلی + فعل کمکی

نکته اضافی ۲ زبان تخصصی: برای جملاتی که فعل ربطی (اسنادی) (**to be**) داشته باشد ، متمم فاعل (**subject**) **complement** داریم که میتونه صفت یا اسم باشد.

4-My father is hard-working.

متمم فاعلی

5- My aunt is a nurse.

متمم فاعلی

نکته ۳: قید های تکرار (**adverbs of frequency**) معمولاً بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آیند

always / usually / often / sometimes / rarely / seldom / never ... بندرت / بندرت

6- He usually comes to class late.

7-She is often late.

8-They don't often go to the cinema.

نکته ۴: برای تاکید بیشتر ، قید های مکان و زمان و حتی قید های تکرار را (در شرایط خاص) می توانیم به ابتدای جمله بیاوریم.

9- In the sitting room, there was an old desk.

10-Yesterday six students answered all the questions correctly in the class.

11- Sometimes I go by car.

نکته ۵: گاهی اوقات ، قید های حالت قبل از فعل اصلی می آیند (بویژه در جملات مجهول ، قبل از اسم مفعول PP می آیند)

12-She quickly ate her dinner and ran out.

13-The lesson was carefully explained by the teacher yesterday.

نکته ۶: برخی از جملات، دو مفعول دارد. (۱- مفعول مستقیم ۲- مفعول غیر مستقیم).

به ساختار های زیر توجه کنید

مفعول غیر مستقیم + **to/for** + مفعول مستقیم

13-I gave a book to Mina last week.

14-I will buy a cellphone for you next week.

مفعول مستقیم + مفعول غیر مستقیم

15-I gave Mina a book last week.

16-I will buy you a cellphone next week.

{ **have / has + pp** } : طرز ساخت زمان حال کامل (ماضی نقلی)

- 1- We **have lived** in Tehran **since** 2012.
2- She **has lived** in Tehran **for** 8 years.

نکته ۱: **Past participle** = اسم مفعول (pp) افعال با قاعده با افزودن { **d/ed** } ساخته می شود و افعال بی قاعده با توجه به جدولی که در انتهای کتاب آمده، آنها را یاد می گیریم.

نکته ۲: برای منفی کردن حال کامل (ماضی نقلی) به فعل های کمکی { **have / has** }، **(not / n't)** افزوده می شود.

- 3- I **have not done** my homework **yet**.
4- She **hasn't spoken** to me **since** last week.

نکته ۳: برای سؤالی کردن حال کامل (ماضی نقلی)، جای فعل کمکی { **have / has** } با فاعل عوض می شود.

- 5- **Have you finished** your homework **yet**?
6- **Has she lived** in Tehran **for** 8 years?
7- **How long** [چه مدت] **have you lived** in this house?

نکته ۴: در زمان ماضی نقلی، مخفف (شکل کوتاه شده) " **has** " بصورت **'s** و مخفف **have** بصورت **'ve** می باشد.

- 8- We **'ve studied** English **for** 2 hours.
9- It **'s rained** here **since** last night.

موارد کاربرد حال کامل (ماضی نقلی):

۱- بیان کاری یا عملی در گذشته نامعلوم:

- 10- I **have broken** my leg.
11- She **has bought** a bicycle.
12- I **have complained** about the traffic before.

complain = شکایت کردن

۲- بیان کاری یا عملی در گذشته، که اثر آن به صورت (فیزیکی یا ذهنی) در زمان حال باقی مانده است.

- 13- I **have read** this book. (مطالب آن را به خاطر دارم. (اثر ذهنی)
14- It **has rained** a lot. (زمین خیس است. (اثر فیزیکی)

۳- بیان کاری یا عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته است. { **for / since** }

- 15- We **have lived** in this house **for 12 years**.
16- They **have been** at the hotel **since last week**.

for (به مدت ، برای) با طول دوره ی زمانی بکار می رود. ✓

(**for 2 hours/ 5 days/ a week/month/3 years, ...**)

since (از زمان) با شروع و مبدأ زمانی بکار می رود. ✓

(**since this morning/ yesterday / last week / 1998, ...**)

نکات اضافی در مورد { **for / since** }

✓ ۱- اگر بعد از **since** جمله بیاید، معمولاً بصورت گذشته ساده و جمله قبل از آن حال کامل (ماضی نقلی) می باشد.

17- I **haven't played** football **since** I **left** university.

✓ ۲- اما با توجه به مفهوم جمله گاهی اوقات بعد از **since** جمله به صورت ماضی نقلی (حال کامل) هم بکار می رود.

18- I've known her **since** I **have lived** here.

✓ ۳- بعد از **since then** (از اون زمان به بعد) جمله به صورت ماضی نقلی (حال کامل) بکار می رود.

19- I **left** school in 20012, and **since then** I've lived in London.

- به تفاوت دو جمله زیر دقت شود.

20- He **hasn't smoked** a cigarette **since** last month.

21- He **hasn't smoked** a cigarette **for** the last month.

- در مثال ۲۱، به حرف تعریف (the) قبل از (last month) دقت شود.

۴- بیان کاری یا عملی در گذشته نزدیک با قیدهای (just) به تازگی / اندکی قبل / lately اخیراً / recently

22- They **have just left** home.

23- David **has recently come back** from Canada.

24- I **have been** very busy **lately**.

۵- بیان کاری یا عملی که قبل از حال (در زمان گذشته) چندین بار تکرار شده است. (امکان وقوع این عمل در آینده هم وجود دارد).

25 - He **has written** 3 books and he is working on another one.

26- I **have seen** this film **several times** .

27- My uncle is a writer. He **has written** many books.

28- My uncle, who **died last year**, was a writer. He **wrote** many books.

- در مثال ۲۸، امکان وقوع عمل در آینده وجود ندارد، در نتیجه از گذشته ساده استفاده شده است.

۶- با قیدهای ۱- (تاکنون) = { **so far, until now / up to now** } ۲- هنوز = **yet** { در جملات منفی و سوالی }

۳- **already** = قبلاً ۴- **ever, never,** ۵- **in /for the last few days**

29- We **have taken** 3 tests **so far**.

30- We **have had** 20 Olympic Games **up to now**.

31- I **haven't finished** my work **yet**.

32- **Has** she **finished** her homework **yet**?

33- I **have already done** my homework.

34- **Have** you **ever been** to Paris? No, I **have never been** there.

35- I **have met** a lot of people **in /for the last few days**.

۷- بعد از صفات عالی مانند ۱- **the best, the most (beautiful), the worst** و ۲- اعداد ترتیبی **the first,**

the second, ...

36- This is **the best** book that I **have ever read**.

37- This is **the first** time I've **driven** a car.

38- This is **the most beautiful** park that I've **ever seen**.

39- I **have lost** my passport. It is **the second** time this **has happened**.

۸- با قیدهای زمان today, this morning, this week / month, this evening (زبان تخصصی)
اگر موقع گفتگو و بیان کردن آن کار یا عمل، موعده آن زمان سپری نشده باشد.

40- He has drunk 3 cups of tea today.

(امروز سپری نشده است)

41- I have written 3 letters this morning.

(امروز صبح سپری شده است)

۹- در جملاتی که کلمات ربط زمان و حروف شرط { When, after, as soon as, if, ... } به زمان آینده اشاره می کند
(زبان تخصصی)

42- After I have left hospital, I will go on a long holiday.

43- As soon as I have finished college, I want to travel around the world.

44- I 'll go swimming with you this afternoon if I have finished my work.

45- After I left hospital, I had a long holiday. (اشاره به زمان گذشته : با جملات بالا مقایسه شود)

۱۰- بیان یک خبر (اعلان یک رویداد ساده) : (زبان تخصصی)

46- The road is closed. There has been an accident.

47- The President has arrived in Iran.

48- I'm glad to tell you 've passed your exam.

Spotlight : مقایسه حال کامل با گذشته ساده در برخی از جملات : (زبان تخصصی)

49- Tom has lost his key. (به حال مرتبط است (تام در حال حاضر کلید ندارد).

- He is looking for his keys. He can't find it. He does not have his key now.

50- Tom lost his key. (نمی دانیم تام کلید را یافته است، یا نه)

- We don't know if he has found his keys or not.

51- My friend has been to Paris. (Now he is at home again.)

- یعنی دوستانم قبلاً در پاریس بوده و الان دیگر آنجا نیست. (یعنی الان به خانه و یا وطنش برگشته است)

52- My friend has been in Paris for 2 years. She is working there and likes it very much.

- یعنی دوستانم الان هم در پاریس است (تأکید بر ماندن و زندگی کردن در پاریس است)

53- My friend has gone to Paris. (He is in Paris now.)

- یعنی رفیق به پاریس و به خانه و یا وطنش برنگشته است.

54- She has lived in Tehran for six years.

55- She lived in Tehran for six years. (او در گذشته در تهران زندگی کرده و به اتمام رسیده است.)

گرامر درس دوم (۲) زبان انگلیسی پایه یازدهم بخش: See Also

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) (phrasal verbs) در زبان انگلیسی:

سه نوع عبارت فعلی در زبان انگلیسی داریم:

۱- عبارت فعلی دو جزئی (حرف اضافه دار): که از ترکیب **یک فعل** و **یک حرف اضافه (preposition)** تشکیل می شوند، به این گروه از فعل ها در زبان انگلیسی (**prepositional phrasal verbs**) می گویند
نکته ۱: در برخی از این نوع فعل ها، با افزودن حرف اضافه به فعل، معنی اصلی فعل، زیاد تغییر نمی کند.

Look at - listen to - agree with - talk to / with- talk about - laugh at -wait for

1- I looked at the picture carefully.

نکته ۲: در برخی از این نوع فعل ها، با افزودن حرف اضافه به فعل، معنی اصلی فعل، تغییر می کند.

Look after= =take care of (مراقبت کردن) look for = search for (جستجو کردن و گشتن)

2- Could you look after my kids while I'm out?

۲- عبارت های فعلی دو جزئی (قیدی): که از ترکیب **یک فعل** و **یک جزء قیدی (adverb particle)** تشکیل می شوند، به این گروه از فعل ها، در زبان انگلیسی (**particle phrasal verbs**) می گویند

نکته: در اکثر این نوع از فعل ها، با افزودن جزء قیدی به فعل، معنی اصلی فعل، تغییر می کند

give back=return (پس دادن) give up = stop/ quit= (ترک کردن کاری یا چیزی)

pass away = die (رحلت کردن / دارفانی را گفتن)

3- My friend's father gave up smoking last year.

۳- عبارت فعلی سه جزئی: این نوع از فعل ها، از ترکیب **یک فعل**، با **یک جزء قیدی (adverb particle)** و **یک حرف اضافه**

(**preposition**) تشکیل می شوند. به این گروه از فعلها، در زبان انگلیسی (**prepositional-particle phrasal verbs**) می گویند

حرف اضافه + جزء قیدی + فعل

/ look forward to = مشتاقانه منتظر بودن /

/ run out of = finish = (تمام کردن) /

/ get along with = (کنار آمدن / از عهده کاری برآمدن) /

/ hang up with = (وقت گذراندن با کسی / بیرون رفتن با کسی) /

/ cut down on = reduce (کاهش دادن) /

/ take part in = participate in (شرکت کردن) /

/ be made up of = تشکیل شدن /

4- Do you get along with your older brother?

5- I have decided to cut down on eating fatty foods.

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) به دو گروه دیگر نیز می توان تقسیم کرد.

۱- افعال لازم: (**Intransitive Verbs**) ۲- افعال متعدی: (**Transitive Verbs**)

۲- افعال لازم: (**Intransitive Verbs**): افعالی هستند، که مفعول نمی گیرند

6-She **grew up** in Rasht.

7- His father **passed away** last year.

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) لازم در محدوده ی کتاب های درسی و کککور می باشند عبارتند از:

check in= (پذیرش گرفتن / اعلام ورود کردن) check out= (خارج شدن / تحویل دادن اتاق) get away= (در رفتن / دور شدن)
 get up=*wake up (بیدار شدن) go away= (دور شدن / در رفتن) hang out= (ول گشتن / بیرون رفتن)
 hurry up= (عجله کردن) look back= (فکر کردن به گذشته / به عقب نگاه کردن) turn round= (دور زدن / برگشتن)
 watch out= (مواظب بودن) look out= (مواظب بودن) die out= (منقرض شدن / از بین رفتن)
 grow up= (بزرگ شدن) go out= (خاموش شدن / قطع شدن برق) pass away= (مردن / رحلت کردن)
 get around = (شیوع پیدا کردن بیماری / پخش شدن خبر) come on= (عجله کردن)

۲- افعال متعدی: (**Transitive Verbs**): افعالی هستند، که مفعول می گیرند

8-I am **looking for** my keys.

9- He **turned off** the light.

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) متعدی، به دو گروه تقسیم می شوند

الف) افعال جدا نشدنی (**Inseparable Verbs**)

ب) افعال جدا شدنی (**Separable Verbs**)

الف) افعال جدا شدنی (**Separable Verbs**): افعال جدا شدنی که در محدوده ی کتاب های درسی و کککور هستند عبارتند از:

turn on = (روشن کردن) turn off= (خاموش کردن) turn up= (زیاد کردن صدا)
 turn down= (کم کردن صدا) put on= (پوشیدن / به تن کردن لباس) take off= (در آوردن / کندن لباس)
 call up تلفن کردن pick up= (برداشتن) wake up= (بیدار کردن)
 look up= (پیدا کردن لغت در کتاب) give up= (ترک کردن کار یا عملی) give back= (پس دادن)
 call back= (دوباره زنگ زدن) cut down= fell (قطع کردن / بریدن درختان) put out=extinguish (خاموش کردن آتش)
 fill in/out=complete تکمیل کردن take away= (چیزی را از کسی گرفتن / از میان برداشتن) put aside = کنار گذاشتن
 keep off= وارد جایی نشدن / پرهیز کردن

نکته ۱: اگر مفعول این افعال اسم باشد، جدا کردن / یا جدا نکردن جزء قیدی، به اختیار است. (به عبارت دیگر اسم می تواند قبل یا بعد جزء قیدی قرار گیرد).

10-He **turned on** the light.

11-He **turned the light on**.

نکته ۲: اگر مفعول این افعال، ضمیر مفعولی باشد، جزء قیدی **حتماً جدا** می شود. (به عبارت دیگر ضمیر مفعولی بین فعل و جزء قیدی

قرار می گیرد.) ضمائر مفعولی عبارتند از: **me - you - him - her - it - us - you - them**

12- Did Ali **turn off the lights**? Yes, he **turned them off**.

ب) افعال جدا نشدنی (**Inseparable Verbs**): افعال دو کلمه ای هستند که **حروف اضافه** ایشان از بخش فعلی جدا نمی شوند

13-She is **looking at** the picture.

14-She is **looking at** it.

افعال جدا نشدنی که در محدوده ی کتاب های درسی و کنکور می باشند عبارتند از:

look at = (نگاه کردن) look for= search for (جستجو کردن/گشتن) look after= (v) مراقبت کردن از
talk about= (صحبت کردن در باره) talk to/ with= (صحبت کردن) speak to / with = (صحبت کردن)
wait for= (منتظر ماندن برای) think about/ of= (فکر کردن) pay for= پرداختن پول

نکته مهم: دانش آموزان عزیز، در کتاب های درسی به نکات گفته شده در بالا، پرداخته نشده است و بهتر است بعد از يك بار خواندن مطالب بالا، فقط به معنی افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) دقت شود، به احتمال زیاد، طراحان سوال کنکور، از معانی این فعل ها تست طراحی خواهند کرد.

بخش Writing درس دوم (۲) زبان انگلیسی پایه یازدهم

Gerund (اسم مصدر):

هر گاه فعل به عنوان يك اسم بکار رود به آن Gerund (اسم مصدر) می گویند.

اسم مصدر = *ing* + فعل

نکته: کلمه ی *ing* دار، فعل یا صفت هم می تواند باشد، که جزء مباحث این درس نمی باشد.
موارد کاربرد اسم مصدر (فعل *ing* دار):

۱ - اسم مصدر به عنوان فاعل (subject) در اول جمله:

- 1- Driving carelessly is dangerous.
- 2- Playing ping-pong for 2 hours made him tired.
- 3- He thinks that living for a long time in a crowded city has made him tired.
- 4- Singing makes me happy.
- 5- Listening and watching the news are two ways to improve your English.

۲ - اسم مصدر به عنوان مفعول مستقیم (direct object) بعد از فعل های زیر:

1- imagine → quit=give up → finish (کتاب درسی)

2- *love & enjoy → practice & keep (on) (کتاب درسی)

- 6- Can you imagine living on the moon?
- 7- He quit smoking last year.
- 8- My father gave up eating fast food.
- 9- She finished doing her homework.
- 10- I *love reading storybooks. (to read)
- 11- Young children enjoy helping around the house.
- 12- Let's practice speaking English.
- 13- I keep telling you, but you won't listen.
- 14- Although we tried to stop him, he kept on talking.

- 43- The film is worth seeing.
- 44- He is not used to living in such a big city.
- 45- My mother says she is looking forward to meeting you.
- 46- I objected to having to rewrite the article.
- 47- We do not allow/permit smoking here.
- 48- I wouldn't advise taking the car.

نکته اضافی (زبان تخصصی): بعد از فعل های **stop** ، **like** ، **love** ، **hate** ، **remember** ، **prefer** و **forget** فعل دوم می تواند هم به صورت **ing** دار و هم به صورت **مصدر** با **to** بکار رود که از نظر معنی و ساختار متفاوت هستند.

- 49- a) He stopped smoking. (او سیگار کشیدن را متوقف کرد (ترك کرد) (give up / quit)
 b) He stopped to smoke. او ایستاد تا سیگار بکشد.
- 50- a) He likes swimming. (دوست داشتن دائمی ولذت بردن کلی)
 b) He likes to swim. (دوست داشتن در مقطع زمانی خاص)
- 51- a) He remembers meeting Mina for the first time. (به یاد آوردن انجام کاری یا عملی در زمان گذشته)
 b) He remembers to send him the letter. (به یاد آوردن انجام کاری یا عملی در زمان آینده)
- 52- a) I prefer to go to the movies tonight. (تمایل به انجام کاری در زمان خاص)
 b) I prefer travelling by train.
 c) I prefer swimming to skiing. (ترجیح دادن کلی و دایمی) prefer A to B
- A B
- 53- a) He forgot sending the letter. او فراموش کرد که نامه را ارسال کند. (زمان گذشته)
 b) Don't forget to wake me up tomorrow morning. (زمان آینده) فراموش نکن که مرا بیدار کنی.

نکته اضافی (زبان تخصصی): بعد از فعل **try** ، در معنی امتحان کردن (test) ، فعل دوم بصورت **ing** دار می آید. اگر به معنی سعی و تلاش کردن باشد، بعد از فعل **try** ، **مصدر** با **to** می آید.

- 54- Why don't you try using a different shampoo?
 55- He tried to control his voice.

۳ - اسم مصدر به عنوان مفعول حرف اضافه (object of preposition) بعد از حروف اضافه:

حروف اضافه: in, of, from, for, on, with, without, about, at, up, after, before, by, ...

- 56- I am tired of washing the dishes.
- 57- We were thinking about repairing the house.
- 58- He is interested in reading story books.
- 59- Mrs. Karimi told them to brush their teeth before going to bed.
- 60- I was surprised that she left without saying good-bye to anyone.
- 61- My sister is good at drawing flowers.

۴ - اسم مصدر به عنوان متمم فاعل (Subject Complement) بعد از فعل ربطی (to be) :

- 62- a) Mina's favorite hobby is writing poems. b) Mina is writing a poem now.
63- a) Her favorite activity is reading story books. b) She is reading story books now.
64- a) What he liked was traveling to other countries. b) He was travelling in Europe.

در مثال های بالا بخش اول (a) اسم مصدر هستند، اما در بخش دوم (b) فعل هستند که بصورت حال استمراری یا گذشته استمراری بکار رفته اند

۵ - اسم مصدر بعد از فعل go برای نشان دادن فعالیت های ورزشی و تفریحی :

- / go shopping / go biking / go fishing / go swimming / go skating / go jogging / go sailing /
/ go running / go hiking / go hunting / go camping / go sightseeing / go surfing /
/ go mountain climbing /
65- My father goes jogging every morning.
66- We went hunting in the forest last week.

۶ - اسم مصدر بعد از NO برای ممنوع بودن کاری یا عملی (بویژه در علائم هشدار دهنده) :

- / No Smoking / No Fishing / No Parking / No Honking / No swimming /
/ No hunting / No Overtaking
- سبقت گرفتن ممنوع

گرامر درس سوم (۳) زبان انگلیسی پایه یازدهم :

Conditional Sentence Type (1) : شرطی نوع اول

ساختار جمله ی شرطی نوع اول : If clause type (1)

هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود .

۱- قسمت شرط ، که با IF (اگر) شروع می شود . ۲- جواب و نتیجه ی شرط

1- a) If you study hard, you will pass your test.

جواب شرط قسمت شرط

- اگر نتیجه ی شرط در ابتدای جمله بیاید و سپس قسمت شرط ، نیازی به آوردن کاما « , » نیست .

b) You will pass your test if you study hard.

شرطی نوع اول : که به آن شرطی واقعی گفته می شود . در شرطی نوع اول احتمال وقوع عمل در زمان حال و آینده وجود دارد.

شرطی نوع اول طبق الگوی زیر :

: ساختار شرطی نوع اول

مصدر بدون will + to , If زمان حال ساده

جواب شرط قسمت شرط

نکته ی ۱ : مخفف will بصورت ('ll) نوشته می شود .

2- If I get a good job, I 'll stay here.

نکته ی اضافی ۲ : در شرطی نوع اول، می توان به جای will از have to , must , should , can , may و حتی از are going to (برای احتمال ضعیف) استفاده کرد.

3- If you are in a hurry, you can take a taxi.

4- If you don't go now, you may miss the train.

5- If it rains, we should stay at home.

6- If you want to succeed, you must study hard.

7- If you want to learn English, you have to practice hard.

8- If she passes all her exams, we are going to buy her a good present.

9*- If you phone me after 12 o'clock, I *might be in bed.

نکته ی اضافی ۳ : در شرطی نوع اول ، در جواب شرط ، برای بیان دستورالعمل، توصیه ، نصیحت و هشدار ، می توان از جمله ی امری نیز استفاده کرد.

10- If you want to help me, call the doctor.

11- Don't forget to lock the door if you go out.

نکته اضافی ۴ : موقع سوآلی کردن جملات شرطی ، جواب و نتیجه شرط به صورت سوآلی در می آید .

12- What will you do if you are cold?

13- Will he pass his test if he doesn't study hard?

نکته اضافی ۵ : برای بیان واقعیت و حقیقت علمی می توان در جواب شرط ، بجای will می توان از زمان حال ساده استفاده کرد که به آن شرطی صفر هم گفته می شود .

14- If you press this key, the game starts. (will start)

15- If I eat bananas, I get red spot on my skin. (will get)

16- If you heat water, it boils. (will boil)

نکته اضافی ۶ (زبان تخصصی) :

در شرطی نوع اول، در قسمت شرط به جای زمان حال ساده ، با توجه به معانی و بافت جملات داده شده ، می توان از زمان حال استمراری ، حال کامل (ماضی قلی) ، حال کامل استمراری ، should ، can ، be going to و حتی (will , would) برای درخواست و تقاضای مودبانه (نیز استفاده کرد.

17- If you are waiting for a while, you will see him.

18- If you have finished your work, we can go to the cinema.

19- If John has been studying, he might pass the test.

20- If I can finish work early, I 'll come and help you.

21- a) If I should see him, I'll tell him the good news.

* b) Should I see him, I'll tell him the good news. (inversion) تقریبا نامحتمل

22- If it is going to rain, I had better take an umbrella.

23- If you'll just wait a moment, I'll find someone to help you. (request)

24- I would be grateful if you would let me know your decision as soon as possible.

(polite request)

نکته اضافی ۷ (زبان تخصصی): بیان شرطی نوع اول با ساختار زیر هم امکان پذیر است.

جمله در زمان آینده + and + جمله امری

25 - a) Do that again and you will be in trouble.

b) If you do that again, you will be in trouble.

26- a) Touch my head and you will see how hot it is.

b) If you touch my head, you will see how hot it is.

نکته اضافی ۸ (زبان تخصصی): در جملات شرطی، به غیر از if، از سایر کلمه های شرط نیز می توان استفاده کرد.

۱- (مگر اینکه = unless) ۲- (ما دامیکه، به شرطی که = as long as) ۳- (وگرنه = otherwise (or else))

۴- (به شرطی که = providing, provided that) ۵- (به شرطی که = on (the) condition that)

۶- (حتی اگر = even if) ۷- (مبادا، (در صورتیکه، برای احتیاط)) = in case)

۸- (به فرض اینکه = suppose, supposing (that)) و ۹- (چه می شود اگر، چه اتفاقی می افتد اگر = what if)

- کلمات شرط شماره های ۸ و ۹ در جملات سوالی استفاده می شود.

27-a) He cannot pass his exam unless he works hard.

b) He cannot pass his exam if he doesn't work hard.

28- a) Unless you hurry, you won't catch the bus.

b) If you don't hurry, you won't catch the bus.

29- We will go out as long as the weather is good.

30- Put on your coat, otherwise you'll get cold.

31- We need to be there by 8 or else we will find it hard to park the car.

32- You can borrow my bike provided/ providing that you bring it back.

33- I will give you the day off on condition that you work on Saturday morning.

34- We will go mountain climbing tomorrow, even if it is raining.

35- * a) I will take my umbrella in case it rains.

(اگر باران بیاید، چترم را بر می دارم)

* b) I will take my umbrella if it rains.

(چترم را بر می دارم برای احتیاط، چون ممکن است باران بیاید)

*c) In case of fire, break the glass.

36- Suppose/Supposing that you are wrong, what will you do then?

37- What if we paint it red? How will it look?

Spotlight : تفاوت if و when :

38-* a) I will tell Tom to call you if he comes.

ممکن است تام بیاید / شاید هم نیاد

* b) I will tell Tom to call you when he comes.

تام حتماً خواهد آمد

تفاوت unless با if...not : در جمله سوالی نمی شود به جای if...not از unless استفاده کرد.

39- a) If you don't pass the test, what will you do? (جمله درست)

b) Unless you pass the test, what will you do? (جمله نادرست)

گرامر درس سوم (۳) زبان انگلیسی پایه یازدهم بخش: See Also

صفت مفعولی (past participle) و صفت فاعلی (present participle) :

صفت مفعولی (past participle) (ed دار) :

صفت مفعولی ، يك صفت اثر پذیر است و با افزودن -ed به فعل (یا قسمت سوم فعل) درست می شود. معمولاً احساس يك انسان را ، نسبت به چیزها یا به افراد را نشان می دهد .

1- I am interested in history. 2- Ali was confused because the problem was confusing.

3- We were amused at her story. 4- My sister was frightened of snakes.

نکته : در اکثر موارد، صفت مفعولی برای انسان بکار می رود .

- (در زبان فارسی معمولاً با پسوند های زده / شده معنی می شوند)

نکته اضافی (زبان تخصصی) : در برخی موارد صفت مفعولی می تواند حتی برای غیر انسان (اسامی بی جان) نیز بکار رود که خارج از محدوده ی کتاب درسی و حتی کنکور می باشد

5- Their statements presented a confused picture of the accident.

(confused = not clear or easy to understand)

6- He had an amused smile on his face.

7- She says she has got a broken heart. (قسمت سوم فعل)

8- He was wearing a torn jacket. (قسمت سوم فعل)

صفت فاعلی (present participle) (ing دار) : يك صفت اثر گذار است و با افزودن -ing به فعل درست می

شود. معمولاً برای نشان دادن حس یا حالتی که شخصی یا چیزی در مخاطب ایجاد می کند ، بکار می رود .

9- The film was boring.

10- It was an amusing story.

11- Her job is exciting .

نکته : صفت فاعلی ، معمولاً برای اشاره به اسامی بی جان (غیر انسان) بکار می رود.

- (در زبان فارسی معمولاً با پسوند های آور / انگیز / کننده معنی می شوند)

نکته اضافی : صفت فاعلی برای اشاره به انسان نیز می تواند بکار رود (در اکثر کتاب های درسی ، به آن اشاره نمی شود) .

12- He is one of the most boring people that I have ever met. He never stops talking.

مهم ترین صفات مفعولی و فاعلی در محدوده ی کتاب های درسی و کککور عبارتند از:

صفت مفعولی	صفت فاعلی
amazed (at/ by) شگفت زده	amazing شگفت آور
amused (at/by) سرگرم (شده)	amusing سرگرم کننده
bored (with /of) کسل / خسته (شده)	boring کسل کننده (خسته کننده)
tired (of) خسته (شده)	tiring خسته کننده
confused (about) گیج (شده)	confusing گیج کننده
depressed (about) افسرده / غمگین	depressing افسرده کننده
excited (about/at/by) هیجان زده	exciting هیجان انگیز (مهیج)
frightened (of) ترسیده / وحشت زده	frightening ترسناک
interested (in) علاقمند	interesting جالب (علاقمند کننده)
shocked (at/by) شوکه (شده)	shocking هولناک (شوک آور)
surprised (at/by) متعجب	surprising تعجب انگیز (تعجب آور)
satisfied (with) راضی / خوشحال	satisfying خشنود کننده / راضی کننده

مصدر = شکل ساده فعل + **to**

موارد کاربرد مصدر با **to** :

۱ - مصدر با **to** به عنوان فاعل (subject) در اول جمله (در سبک غیر رسمی / محاوره ای) :

1- **To drive carelessly** is dangerous. [= **Driving carelessly** is dangerous.] (More natural)

2- **To learn a language** can be interesting. [= **learning a language** can be interesting.]

۲ - مصدر با **to** به عنوان مفعول (object) بعد از فعل های زیر :

1-choose (انتخاب کردن)	2-decide (تصمیم گرفتن)	3-want (خواستن)
4 -promise (قول دادن)	5- wait (منتظر ماندن)	6-agree (موافق بودن)
7- learn (یاد گرفتن)	8-attempt (تلاش کردن)	9-*like (دوست داشتن)
10-*forget (فراموش کردن)	11-*remember (به یاد آوردن)	12-*try (تلاش کردن)
		(کتاب دانش آموز)
12 tell (گفتن)	13-ask (خواستن / سوال کردن)	14-*advise (نصیحت کردن)
15-hope (امیدوار بودن)	16-plan (برنامه ریزی کردن)	17-*begin (شروع کردن)
		(کتاب کار)

نکته ۱ : در برخی از افعال ، بلافاصله بعد از آنها فعل دوم به شکل **مصدر با to** می آیند .

3-We **decided to change** our plans.

4-She **wanted to buy** an Iranian handicraft.

نکته ۲ : اما يك تعدادی از افعال هم وجود دارد که بعد از آنها ابتدا بعد از آنها **مفعول** و سپس **فعل دوم** به شکل **مصدر با to** می آیند (برخی از فعل ها با هر دو ساختار بکار می روند)

5-The teacher **told the children to sit down** quietly.

6-I **want you to find out** what they are planning.

به مثال های زیر، برای هر يك از افعال بالا ، دقت کنید

7-I **chose to learn** German rather than French. [rather than = به جای]

8- They **chose Donald to be** their leader.

9-Tina has **decided to go** to Rome for her holidays.

10-I **want to study** physics now.

11-I don't **want Linda to hear** about this.

12- He **promised to give back** the book.

13-Are you **waiting to use** the phone?

14- I **waited for Reza to say** something.

15- The teacher **agreed to finish** the class 5 minutes early.

16- I **learned to drive** when I was 18.

17- In this lesson, I **will attempt to explain** infinitives.

نکته: برای منفی کردن مصدر، قبل از مصدر با to، (not) می آوریم.

43- I decided not to go.

44- His parents advised him not to eat fast food.

۳ - مصدر با to برای نشان دادن قصد و هدف از انجام کار یا عملی:

45- He went there to see his friend.

46- To learn English, you should practice a lot.

نکته اضافی ۱: در این ساختار، (در سبک رسمی) می توان به جای مصدر با to از in order to , so as to استفاده کرد.

47- He is going to the bookshop in order to buy some books.

48- She went to Canada so as to continue her studies.

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی): شکل منفی ساختارهای بالا، بصورت in order not to , so as not to می باشد.
- حالت منفی آنها به شکل not to نادرست می باشد.

49- I left early so as not to miss the train.

50- I am going to leave now in order not to be late.

*51- I left early not to miss the train. (جمله ی نادرست)

نکته اضافی ۳: بعد از for ، اسم مصدر (ing + فعل) نباید برای بیان هدف / منظور (مقصود) استفاده شود .

52- a) He went to the bookstore for buying some books. (جمله ی نادرست)

b) He went to the bookstore to buy some books. (جمله ی درست)

۳ - مصدر با to بعد از برخی از صفات:

۱- بعد از صفاتی که نشانگر اهمیت، تکرار عمل، احساسات شخصی، سختی و آسانی کار و غیره ... باشند، فعل بصورت مصدر با to بکار می رود.

لیست صفاتی که در محدوده کتاب درسی و کنکور می باشند و بعد از آنها، مصدر با to بکار می رود.

happy (خوشحال)	sad (ناراحت / غمگین)	careful (مواظب و مراقب)	certain (مطمئن)
glad (شاد / خوشحال)	shocked (شوکه / بهت زده)	sorry (متأسف)	amazed (شگفت زده)
ashamed (خوشحال)	fortunate (خوش شانس)	lucky (خوش شانس)	surprised (متعجب)
dangerous (خطرناک)	easy (آسان)		(کتاب دانش آموز و کتاب کار)
hard=difficult (سخت و مشکل)	possible (ممکن)	impossible (غیرممکن)	important (مهم)
necessary (ضروری)			(خارج از کتاب درسی اما مهم)

53- We are happy to be here.

54- Ali was really sad to leave us.

55- The heavy rain made it hard for us to drive easily.

56- Overactive children find it difficult to concentrate.

57- I was careful not to burn myself.

58- Prices are almost certain to increase.

59- Members will be glad to hear him speak again.

- 60-I was shocked to hear that he had an accident.
 61- We were sorry to miss your concert.
 62-Visitors were amazed to discover how little the town has changed.
 63- Their behavior made me ashamed to be British.
 64- I have been fortunate to find a job that I love.
 65- The children were lucky to survive the fire which destroyed their home.
 66- I'm sure that she will be surprised to see me.
 67-It is dangerous to drive on this road.
 68-It is not easy to find a job here.
 69- It was difficult to run fast.
 70- It wasn't possible to read the sentences correctly.
 71- It is impossible to read a book in the dark.
 72- Was it important to be on time?
 73- Is it necessary to speak English fluently?

مصدر با *to* + (مفعول + *for*) + صفت + *to be* + *It*

- 74- It is necessary for him to arrive on time.
 75- It wasn't difficult for us to climb the mountain.
 76- He said that it was important for him to speak English correctly.
 77- Was it possible for you to read in the dark room?

نکته اضافی (زبان تخصصی): با برخی از صفات، که تعداد آنها انگشت شمار هستند به جای **for** از **of** استفاده می شود.

مصدر با *to* + (مفعول + *of*) + صفت + *to be* + *It*

- 78- It is kind of you to say that.
 79- It is really kind of them to let us use their pool.
 80- It was nice of you to help.

۴- مصدر با *to* با ساختارهای **too** و **enough** (زبان تخصصی):

- 81- The soup is too hot for me to eat.
 82-They work too slowly to finish the job on time.
 83-There is too little time to finish the job today.
 84-I had too many books to carry.
 85- There too much sugar to put in this bowl.
 86-The problem was easy enough for me to solve.
 87- Reza isn't tall enough to reach the top shelf.
 88- Our English teacher speaks slowly enough for us to understand.
 89-There are enough books for me to study.
 90- I didn't have enough time to finish the exam.

۴- مصدر یا to ، بعد از برخی از اسم ها و گروه های اسمی و ضمائر مبهم به عنوان post-modifier :

- 91- She didn't have permission to go.
92- Our decision to close the factory was a difficult one to do.
93- I had no one to talk to.
94- When I am travelling, I always take something to eat.
95- Jim is the best person to hire.
96- That is a dangerous way to behave.
97- I have some e-mails to do.

۶ - مصدر یا to بعد از کلمات پرسشی :

- 98- I don't know what to do.
99- Do you know how to solve this math problem?
100- Tell me when to press the button.
101- Could you tell me where to find a good hotel?